

متن پرسش

باسمه تعالی. سلام علیکم: استاد بزرگوار نمی دانم نظر حقیر چقدر به واقعیت نزدیک باشد برای همین به خود حضرت تعالی رجوع می دهم تا شما اصلاح بفرمایید. جوانی را در نظر بگیرید که تازه با مباحث ارزشمندتان آشنا شده و بیشتر افق نگاهش مسائل سلوک شخصی و مراقبه برای غلبه بر میل های زمینی و ظلمانی مورد تذکر به خودش را در اولویت قرار داده تا اینکه ان شاء الله به جامعیت مراقبه همه جانبه رسیدن به تعادل در اعمال و عقاید و اخلاق برسد اما هر گاه با شوق زیادی! برای عمل کردن به موضوعی خدمتتان می رسد چه حضوری و چه در سایت اولین اولویت شما در پاسخ گویی به اینگونه سئالان در منظر آوردن (انقلاب اسلامی! و کلیت مبارزه در راه خدا ذیل حرکات انقلابی! اجتماعی! ذیل رهبری! مسائل جهانی! منطقه ای! فتنه های کلی جهانی! و ...) به وی پاسخ مرحمت می کنید که البته خود این پاسخگویی جای شکر دارد. اما جوان مذکور خود را در راه رسیدن به موضوع مد نظر شما! چنان دور می بیند! که عرصه بودن با خداوند بر وی چنان تنگ می آید که آن شوق!!! اولیه تبدیل به (یاسی غیر قابل عبور) می شود و با زبان بی زبانی می گوید من در خود مانده و خراب و داغون و نا امیدم شما می گویی کار اجتماعی؟ استاد عزیز متوجه ام که شما اهل ذکر و ورد و دستورات شخصی به کسی دادن نیستید اما همین قدر بگویم: الهی گر یک بار بگویی بنده من از عرش بگذرد خنده من! استاد اگر یک بار بگویی چنان کن فلانی/ از عرش بگذرد خنده من) اگر به ما هم از سر مجاز و لطف الکی و نه واقعیت القاء می کردید که من هم می توانم در صحنه دروس استاد باشم شاید ما هم در خیال خود می توانستیم خوش باشیم. جانم فدایت. موفق باشید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید که اصلاح انسان حتی در امور فردی، در حضور تاریخی او معنای حقیقی دارد و ما سال های سال است به جهت خفقان حاکمان ظالم، معنای زندگی دینی را به معنای حقیقی اش گم کرده ایم. به ما فرموده اند: «واعتصموا بحبل الله جميعا» یعنی در نسبت حضور جمعی، راه خدا را برای خود بگشایید و با دغدغهی برگرداندن خدا به جامعه، عبادات خود را که راه اُنس شما با خدا است شکل دهیم. به همان معنایی که وقتی حتی نیمه شبان با خدا راز و نیاز دارید، به خدایی رجوع کرده اید که بنا است در این تاریخ، در این جامعه ظهور کند و همه چیز را خدایی نماید. با این روحیه است که می توانید از رذائل فردی و شخصی نیز نجات پیدا کنید. لذا مقام معظم رهبری «حفظه الله» در ۱۴ خرداد امسال فرمودند: «اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمانها پایند بود،

باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این جور نیست که فقط یک محاسبه‌ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هرکسی این چیزها را از اسلام جدا کند، اسلام را نشناخته است؛ هرکسی حوزه‌ی معرفتی اسلام را و حوزه‌ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نشناخته است. قرآن به ما می‌گوید: **أَعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ (۱۴)** عبودیت خدا - یعنی تسلیم در مقابل خدا بودن - و اجتناب از طاغوت، و در آیه‌ی دیگر [می‌گوید]: **الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ (۱۵)** اینها دستور قرآن است. ..؛ این یک خواست دینی است؛ رعایت آن، تقوای دینی است. این تقوای دینی است؛ تقوای سیاسی هم در داخل همین مندرج است؛ اگر چنانچه این تقوای دینی تحقق پیدا کرد، تقوای سیاسی هم همراه همین است. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده کند، پرهیز بکند». ملاحظه می‌کنید که چگونه می‌خواهند تقوا را در فضای مقابله با دشمنان اسلام به جامعه برگردانند. توصیه‌ی بنده به رفقا این است که وقتی چنین راهی گشوده است و می‌توانیم با چنین دغدغه‌هایی دل خود را داغدار و حسرت خود را، قدسی و معنوی کنید و چنین غمی را که غم برگرداندن خدا به تاریخ است، غم خود نمایید که این غم انبیاء و اولیاء بوده است، چرا راه دیگری را که مربوط به تاریخ گذشته است دنبال می‌کنید؟! موفق باشید